وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد

صندوق هنر، کانون خدمت رسانی به اهل فرهنگ

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر تقویت هرچه بیشتر صندوق اعتباری هنر، گفت: نگاه وزارت فرهنگ به این صندوق توسعه‌ای و هدفگذاری در آن حل مسأله است.

مجمع عمومی صندوق اعتباری هنر با حضور اعضای هیأت امنا و هیأت مدیره آن در محل سالن جلسات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. در این نشست مشترک، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان رئیس هیأت امنای صندوق ضمن تشکر و قدردانی از زحمات، خدمات و تلاش‌های مدیرعامل و مجموعه صندوق اعتباری هنر، خدمات و فعالیت‌های این صندوق را گسترده دانست و گفت: بدون تردید انجام امور متنوع و در عین حال زیاد، سختی‌هایی را نیز به همراه خواهد داشت، از این‌رو همانگونه که در بازدید اخیر از محل این صندوق عرض کردم، باید صندوق اعتباری هنر تقویت شود.

او تصریح کرد: نگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به صندوق هنر توسعه‌ای است. لذا همواره تأکید شده که این صندوق با ارائه خدمات بهینه و مطلوب به اهالی فرهنگ، هنر و رسانه باید بتواند باری از روی دوش این اقشار فرهیخته برداشته و نسبت به رفع مشکلات آنها کوشا باشد.

به گفته اسماعیلی کسانی که به صندوق آمده و عضو شده‌اند با امیدی آمده و انتظار دریافت خدمات دارند؛ آنها جایی را برای مراجعه نداشته‌اند که به صندوق آمده‌اند، از این‌رو وظیفه ما است به‌عنوان متولی اصلی فرهنگ و هنر کشور در خدمت این قشر فرهیخته باشیم و تا جای ممکن از هیچ تلاشی برای کمک و حمایت از آنها دریغ نکنیم. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد: صندوق اعتباری هنر هر چه تولید و بعضاً سرمایه‌گذاری می‌کند باید درآمد آن به سفره اهالی فرهنگ، هنر و رسانه برود.

در اختتامیه همایش مدیران کل کتابخانه‌های عمومی استان‌ها مطرح شد

تلاش برای هم‌افزایی بیشتر در مسائل فرهنگی

گروه فرهنگی- اختتامیه همایش دوروزه مدیران کل کتابخانه‌های عمومی استان‌ها شامگاه یکشنبه ۳۰ مرداد ماه با حضور سیدمحمد هاشمی معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهدی رمضانی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، معاونان و مشاوران دبیرکل، مدیران ستادی، مدیران‌کل و سرپرستان ادارات کل کتابخانه‌های عمومی استان‌های نهاد در سالن جلسات کتابخانه مرکزی پارک شهر تهران برگزار شد.

سیدمحمد هاشمی در این مراسم گفت: «در دوره جدید مدیریت در کشور، با آمدن دولت مردمی و نوع نگاه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تأکیدی در مجموعه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های پیرامونی آن بر اساس برادری و الفت شکل گرفته است که از این فرصت باید در همه اجزا استفاده کرد تا کار به نحو احسن پیش رود.»

معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به ضرورت هم‌افزایی نهاد و مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حل مسائل و چالش‌های فرهنگی در استان‌ها گفت:«باید برای کمک به راهبری حکمرانی و محتوای فرهنگی، مسائل و مشکلات فرهنگی استان‌ها را به اقل موارد برسانیم. به همین دلیل کارگروهی از مدیران کل ارشاد تشکیل دادیم و موارد و مشکلات موجود فرهنگی در کشور را احصا و بررسی کرده و در نهایت برخی را رفع کردیم و به چند مورد مشخص رسیدیم.»

مهدی رمضانی نیز در ادامه این مراسم گفت: «اگر بشود اجلاس مشترکی بین مدیران کل ارشاد و مدیران کل کتابخانه‌ها در استان‌ها داشته باشیم، قطعاً به هم‌افزایی بیشتر در مسائل فرهنگی در استان‌ها منجر خواهد شد. همچنین می‌توان در بحث بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود در اختیار نهاد، با تأسیس کنسرسیوم و شرکت‌های مشترک، موضوع بهره‌برداری عملیاتی از ظرفیت‌ها در راستای فعالیت‌های فرهنگی در کتابخانه‌های عمومی را پیگیری کرد.»

گفت‌وگو با مهدی آذرسینا آهنگساز و نوازنده پیشکسوت ساز کمانچه به بهانه سالروز تولد حسین علیزاده

پهلوان هنر ایران

نداسیجانی/ «به باورمن، حسین علیزاده یکی از موسیقیدانان بزرگ ایران است؛ چرا که درک و دریافت درستی از موسیقی داشته است و آن را در مسیری قرار داده و به گونه‌ای هدایت کرده، که او را به‌عنوان یک آهنگساز ممتاز در دنیا معرفی می‌کند و این دیدگاه هنری، حسین علیزاده را به جایگاهی رسانده که امروز تنها در یک نام خلاصه نمی‌شود.» این بخشی از صحبت‌های مهدی آذرسینا آهنگساز و نوازنده برجسته ساز کمانچه است.

زادروز حسین علیزاده (۱۳۳۰) و مهدی آذرسینا (۱۳۲۵) در یک روز است؛ یکم شهریور ماه. یاران قدیمی که در یک تاریخ مشترک از ماه متولد شده‌اند: «هم دوره، هم نسل و هم‌نفس با حسین علیزاده هستم و این افتخار بزرگی برای من است و این مشترک بودن ماه تولد با آقای علیزاده، ذوق و شوق این روز را برای من دوچندان کرده است.» او در سالروز تولدش آرزو می‌کند: «حسین علیزاده همچنان پابرجا، استوار و با همین قدرت بالای ذهنی و خلاقیت‌های منحصر به فردش به فعالیت‌های خود ادامه بدهد چرا که او را در اوج قله موسیقی ایران می‌دانم.»

■ از آشنایی در دانشکده هنرهای زیبا تا تلمذ در یک مکتب

وجه اشتراک این دو آهنگساز، تلمذ درمکتب دو استاد بزرگ است، نورعلی خان برومند و دکتر داریوش صفوت که در تربیت هنری و اخلاقی این دو بسیار اثرگذار بوده: «آشنایی من با آقای علیزاده به سال‌ها قبل برمی‌گردد. سال ۱۳۴۸ بود که وارد دانشکده هنرهای زیبا شدم و دو سال بعد از من حسین علیزاده به این دانشکده آمد. البته کلاس‌هایمان جدا بود. آن دوران آقایان علی اکبر شکارچی (نوازنده کمانچه ایرانی آهنگساز)، مسعود شناسا(موسیقیدان، نوازنده سنتور و آهنگساز)، عطاءالله جنگوک (آهنگساز و نوازنده تار و سه تار و ردیف‌دان) هم دوره و هم کلاس آقای علیزاده بودند و در نهایت حضور او در این مرکز تحصیلی، موجبات آشنایی ما را فراهم کرد تا به امروز. جالب است بدانید من و آقای علیزاده، دانش آموخته یک مکتب هستیم و در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی در محضر دکتر داریوش صفوت و نورعلی برومند تلمذ کرده‌ایم و براساس همین دل نزدیکی، دوستی‌هایمان هم پایدارماند. در آن سال‌ها هرگاه فرصتی به‌وجود می‌آمد، چه در مرکزموسیقی حفظ و اشاعه و چه در استودیو یا در یک کنسرت، جویای احوال و وضعیت کاری همدیگر بودیم و دیدار او برای من ذوق و اشتیاق دلپذیری داشت و در تمام این سال‌ها کارهایشان را دنبال می‌کردم و هر اخباری که از آقای علیزاده به گوش می‌رسید، این شوق را برای ما ایجاد می‌کرد که آن خبر را با جان و دل بخوانیم و بدانیم و بشنویم.»

■ نوازنده‌ای شاخص و تعیین‌کننده

مهدی آذرسینا همچنان با عشق از رفیق گرمابه و گلستانش سخن می‌گوید اما به گفته او، هیچ گاه فرصتی به‌وجود نیامد تا کنسرت یا همنوازی مشترکی با یکدیگر داشته باشند: «با توجه به شناخت و علاقه‌مندی‌ام به کارهای آقای علیزاده، اما متأسفانه طی این سال‌ها آشنایی و دوستی، هیچ گاه، کارمشترکی با یکدیگر انجام نداده‌ایم. من براین عقیده‌ام که معمولاً در موسیقی یک عده در رأس قرار دارند مانند حضورفعال آقای علیزاده در گروه‌های بزرگ و مهم موسیقی که با وجود آنکه سرپرستی برخی از آن گروه‌ها را برعهده نداشت، ساز می‌نواخت و نقش اصلی را در گروه ایفا می‌کرد، چرا که او نوازنده‌ای شاخص و تعیین‌کننده بود و نوازنده‌ها و خواننده‌های بسیاری، علاقه‌مند به همکاری با او بودند و من نیز بسیار مشتاق بودم در کنار چنین هنرمندان بزرگ و برجسته موسیقی ایران که کم‌نظیر و انگشت شمار هستند، همکاری داشته باشم اما همان‌طور که اشاره کردم هیچ گاه این فرصت به‌وجود نیامد. البته ناگفته نماند در دورانی که آقای علیزاده در کانون چاووش

درکنار نوازندگان بزرگ موسیقی ایران همچون آقایان پرویزمشکاتیان ، محمدرضا لطفی ، محمدرضا شجریان و... همکاری داشتند، چند باری از من دعوت به عمل آمد اما نپذیرفتم. اول ازطریق آقای محمود فرهمند نوازنده و سازنده نام آشنای تار، پیام فرستادند و بار دوم ازطریق آقای ناصر فرهنگ‌فر و از من دعوت کردند تا با گروهشان همکاری داشته باشم اما با پرس وجویی که انجام دادم، متوجه شدم دلیل این درخواست، عدم همکاری آقای علی اکبر شکارچی با گروه چاووش بود بر همین اساس،

> وظیفه خود می‌دانم به حرمت موسیقی، در کنار افرادی قرار بگیرم، عاشقانه کار کنم و در موردشان بگویم و بنویسم که کارشان بی‌نقص و درست است، هنرمندانی همچون حسین علیزاده که برای هنرشان تلاش کردند و موفقیت‌های بزرگی در این راه کسب کرده‌اند. افراد بزرگی چون حسین علیزاده مورد توجه همگان است و دوست و دشمن هم هنرش را تأیید می‌کند

به لحاظ اخلاقی ترجیح دادم این همکاری انجام نگیرد. اگرچه صادقانه علاقه‌مند به این همکاری بودم، البته این اتفاق‌ها می‌افتاد. سال‌ها بعد آقای مشکاتیان برای گروه عارف از من دعوت کرد اما گویا اعضای گروه، تمایلی به برهم ریختن چیدمان گروه نداشتند و حتی یک بار هم آقای فرامرز پایور از من برای همکاری در گروه استادان دعوت کرد که به اتفاق آقای شهرام ناظری به منزلشان رفتیم اما در این گروه هم دوست دیگری مخالفت داشت و باید بگویم همکاری من با آقای محمدرضا شجریان هم، همین سرنوشت را داشت. شاید هم این اختلاف نظر و سلیقه‌ها به‌دلیل سخت گیری‌های من در موسیقی بود، هرچه هست گذشت و این اتفاق‌ها و همکاری‌ها صورت نگرفت اگرچه این ذوق همکاری همیشه در من وجود داشت بویژه در کنار استادان تراز اول، همچون حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان و... به‌طور یقین خواسته هر اهل هنر یا موسیقی، همکاری با بزرگان است و وسواس کاری من نیز این چنین بود و علاقه‌مند بودم با بهترین‌ها همکاری داشته باشم.البته درآن دوران آقای علیزاده با چندین گروه همکاری و سرپرستی آنها را برعهده داشت و بسیار درگیر این کارها بود بنابراین شرط اخلاق این بود، هنرمندی را که درجایگاه تعیین کننده قرار دارد و دارای ذهنی نو و خلاقانه در موسیقی است و آثار بزرگی چون «سواران دشت امید» و... را در کارنامه هنری اش به ثبت رسانده، وقت و معطلی در کارهایشان به‌وجود نیاید.»

■ حضور در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فعالیتی نو در حوزه موسیقی

مهدی آذرسینا اوایل دهه ۵۰، مربیگری کلاس‌های موسیقی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره دانشجویی و همچنین آموزش موسیقی با متد ارف را برعهده داشت. کانونی که حسین علیزاده نیز در آن فعالیت می‌کرد و آلبوم‌هایی چون «آوازهای کودکان» (سال ۱۳۵۳) و همچنین «بچه‌ها بهار» حاصل تلاش آن روزها است: «آن دوران خانم شیدا قرچه داغی که پایه‌گذار بخش موسیقی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود، از یک تعداد مربی برای این مرکز دعوت به همکاری کرد و من و آقای علیزاده هم در این کانون مشغول به کارشدیم. بعد از آن دکتر سعید خدیری از من برای تأسیس واداره کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان تبریز دعوت کرد و من از سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۹، از دوستان مرکز حفظ و اشاعه جدا شدم و در بازگشت من به تهران، آقای علیزاده از مرکز حفظ و اشاعه رفته بود.»

■ قاضی اعمال خود باشیم

اتحاد، همدلی، همنشینی وهم زبانی، شاخصه بارز ومهم هنرمندان است، بویژه برای اهالی موسیقی که هم ساز، هم نواز و هم خوان بوده و هستند. ولی این ویژگی اخلاقی به‌دلیل سبک زندگی افراد و همچنین شرایط حاکم بر جامعه، به مرور زمان کم رنگ و کم رنگ‌تر شده است. اما دورانی را که مهدی آذرسینا از هنرمندانش به نیکی نام می‌برد، ارتباط اغلب هنرمندان برپایه همان همدلی و همزبانی شکل گرفته بود و ماحصل آن تولید آثاری شاخص و ماندگار در تاریخ موسیقی ایران است: «مسأله اصلی در مانا بودن نام و اثر یک هنرمند این است که ابتدا به ساکن، قاضی اعمال خود باشیم. به‌طورمثال درساخت یک اثر نگاه عادلانه داشته باشیم که آیا تلاشی برای آن صورت گرفته یا خیر!؟ آیا در همان مسیری قرار دارد که استادانش به او سفارش داشته‌اند یا خیر؟ و... قضاوت درست در همه این موارد و علاوه براین تلاش‌ها و موفقیت‌ها وهنرنمایی چنین اشخاصی موجب می‌شود اختلاف سلیقه‌ای بین افراد به‌وجود نیاید. البته اگر اشکالاتی برکار و هنر موسیقیدانی وارد باشد، نمی‌توان آن را نادیده گرفت و اثر خوب و ماندگار خلق کرد چرا که این هنر متعلق به مردم است. بنابراین وظیفه خود می‌دانم به حرمت موسیقی، در کنار افرادی قرار بگیرم، عاشقانه کار کنم و در موردشان بگویم و بنویسم که کارشان بی‌نقص و درست است، هنرمندانی همچون حسین علیزاده که برای هنرشان تلاش کردند و موفقیت‌های بزرگی در این راه کسب کرده‌اند. اگرچه اگر نقدی بر هنر و هنرمند وارد باشد باید گفته شود. من دوست ندارم یک نفر موسیقی را به بیراهه بکشاند و نسل بعد همان مسیر را ادامه بدهد و این گمراهی همچنان ادامه داشته باشد. من نیز دراین راه زحمت کشیدم و در حد همین سعی و تلاش هایم از عملکرد خود رضایت دارم. اما افراد بزرگی چون حسین علیزاده مورد توجه همگان است و دوست و دشمن هم هنرش را تأیید می‌کند.»

■ هنرمندی است که منش و هنر بزرگان هنر در کار او نمایان است

بسیاری از اهالی هنر و کارشناسان براین

> آقای علیزاده هنرمندی است که وقتی ساز می‌نوازند، تأثیر هنری، هنرمندان بزرگ و چیره‌دستی همچون علی اکبرخان شهنازی در نواختن او نمایان است یا کردار و تأثیر اخلاقی و شخصیت و وقار بزرگانی چون نورعلی خان برومند و داریوش صفوت در منش او و متانت بزرگمردی چون هوشنگ ظریف در رفتارش آشکار است و توانسته از هر استاد درسی بیاموزد

نظرند، ارتباط استاد و شاگردی در آموزش و تربیت هنرجو بسیار مؤثر بوده، بویژه استادان و معلمانی که خاک صحنه خورده‌اند و به لحاظ علم و دانش و آگاهی درسطح بالایی قرار دارند. مانند استادان روح‌الله خالقی، ابوالحسن صبا، درویش خان، احمد عبادی، حسین تهرانی، فرامرز پایور یا دیگر بزرگانی همچون نورعلی خان برومند، داریوش صفوت، علی اکبرشهنازی، علی اصغر بهاری، عبدالله دوامی و... و البته حسین علیزاده و مهدی آذرسینا که همان‌طور که اشاره شد هر دو دانش آموخته یک مکتب هستند: «از نگاه من تأثیر اخلاقی استاد بر شاگرد و بالعکس بسیار زیاد و تعیین کننده است.یعنی ممکن است استادی درجه یک، آموزشی که به هنرجویان دارد برای همه افرادی که در محضر او تلمذ می‌کنند تأثیر یکسان نداشته باشد و این درک و دریافت به گنجایش و ظرفیت شاگرد بستگی دارد.اما آقای علیزاده هنرمندی است که وقتی ساز می‌نوازند، تأثیر هنری، هنرمندان بزرگ و چیره‌دستی همچون علی اکبرخان شهنازی در نواختن او نمایان است یا کردار و تأثیراخلاقی و شخصیت و وقار بزرگانی چون نورعلی خان برومند و داریوش صفوت در منش او و متانت بزرگمردی چون هوشنگ ظریف درفرتارش آشکار است. درواقع این سعادت وتوانایی برای آقای علیزاده حاصل شده و توانسته از هر استاد درسی بیاموزد و آن را در سینه‌اش حفظ کند در غیر این صورت افراد بسیاری به‌دنبال موسیقی هستند و علاقه‌مند به نوازندگی و خوانندگی، اما تشخیص و تمییز دادن اینکه چه فردی را برای آموزش درست انتخاب کنند آنها را در سردرگمی قرار داده. براین اساس انتخاب مرید و استاد در ادامه این مسیر بسیار مهم است.»

شناسنامه حسین علیزاده آثار ارزشمندش است «دلشدگان»، «گبه»، «زشت و زیبا»، «زمانی برای مستی اسب‌ها»، «لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند»، «آواز گنجشک‌ها»، «ملکه» و... از آثار شاخص موسیقی فیلم‌های حسین علیزاده است که برخی از این آثار موفق به دریافت سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر هم شده است و درکارنامه ارزشمند و پربارش در بخش تولید آثار موسیقایی، آلبوم‌های کم نظیری همچون «فریاد»، «بی تو به سر نمی‌شود» «به تماشای آب‌های سپید»، «سواران دشت امید»، «حصار»، «نی‌نوا»، «شورانگیز»، «ترکمن» و... دیده می‌شود که علاوه‌بر ماندگاری آنها در تاریخ موسیقی ایران، برخی از آنها نامزد جایزه گرمی در بخش بهترین آلبوم سنتی جهان شده‌اند.اما دراین میان مهدی آذرسینا علاقه‌مندی خاصی به اثر «ترکمن» دارد و شناسنامه حسین علیزاده را آثار ارزشمندش می‌داند که او را یک آهنگساز و نوازنده جهانی نام نهاد: «در دورانی که در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی مشغول به کار بودم، شنیدم نوازنده‌ای با قابلیت و توانایی بسیار شگفت انگیز، در این مرکز فعالیت دارد. نکته دیگر اینکه از سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۹ و به مدت ۶ سال در تبریز زندگی می‌کردم و مأمور شدم مسئولیت رادیو و تلویزیون این شهر را برعهده بگیرم. دورانی که فضای سیاسی کشور ملتهب بود. در آن سال‌ها از رادیو قطعه «سواران دشت امید» را شنیدم و متوجه تحولی عظیم در موسیقی شدم که بنیانگذار آن حسین علیزاده بود.علاوه بر آن اجراهایی که آقای علیزاده به همراهی اعضای مرکز حفظ و اشاعه موسیقی در جشن هنر شیراز داشت و اجرای چنین قطعاتی موجب معرفی هرچه بیشتر حسین علیزاده بود و آن زمان بود که حسین علیزاده؛ حسین علیزاده شد و از آن دوران به بعد کارهایش را دنبال می‌کردم و با لذت می‌شنیدم و در میان آثار درجه یکش، قطعه‌ای که بارها و بارها شنیدم و آن را تحسین کردم تک نوازی سه تار در آلبوم «ترکمن» بود. او در کنسرت‌هایش هم منحصر به فرد بود و همچون پهلوانی روی صحنه حاضر می‌شد و با ساز تار و سه تارش شور و حال عجیبی در سالن ایجاد می‌کرد.

■ مدیر، مدبر و متحبر

از دیدگاه من برای آموختن موسیقی یا هنر بازیگری یا آنکه شاعری بنام شدن، آموزش تا حدودی مؤثر است اما عوامل دیگری همچون شعور، اندیشه، تفکر و تلمذ و برانگیختگی و گماردن شدن، از دیگر امتیازات یک هنرمند است و حسین علیزاده آراسته به تمامی این خصایل است. او به درک و دریافت و شعور و حسی، دست یافته که توانسته آن را بدرستی هدایت کند و این مسیر و انتخاب درست او را به این جایگاه رسانده و از نگاه من یکی از بزرگترین موسیقیدانان ایران است و به لحاظ آهنگسازی نوازندگی، مدیریت، اجرا و... هیچ ایرادی بر او نیست و او در هنرش متبحر و مدبر است و در پایان، تولد این موسیقیدان بزرگ و ممتاز ایران را تبریک عرض می‌کنم. البته باید بگویم موسیقیدان جهانی، چرا که وقتی کسی با این عشق و علاقه در هنر تلاش می‌کند، وجودش برای همه مردم دنیا ارزشمند و عزیزاست و نسل بعد از او نیز قطعاً ادامه دهنده راه او هستند. باید بگویم ناامیدی در مسیر موسیقی ایران دیده نمی‌شود و نگران از آینده موسیقی ایران نیستم و امیدوارم موسیقی بدرستی در اختیار مردم و علاقه‌مندانش قرار بگیرد تا از آن بهره‌مند شوند.»

فرهنگ

مراسم نکوداشت مرحوم علامه محمدرضا حکیمی برگزار شد

عدالت طلب سربه‌دار

مراسم اولین سالگرد مرحوم علامه محمدرضا حکیمی با حضور رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی، حجت‌الاسلام محمدتقی سبحانی، جلال رفیع، سیدعباس صالحی نماینده ولی فقیه در مؤسسه اطلاعات، حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی پژوهشگر و پیشکسوت انقلابی، دکتر احسان شریعتی و جمعی دیگر از اساتید یکشنبه ۳۰ مردادماه برگزار و از سه اثر تولیدشده ازجمله نرم‌افزار مجموعه آثار علامه حکیمی، رونمایی شد.

■ محقق و مصلح

سید عباس صالحی در ابتدای این نشست گفت: استاد حکیمی فردی بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی وی را به عنوان استاد، محقق و ادیب معرفی می‌کند و یا مرحوم سید جلال آشتیانی با تفاوت سلایقی که با مرحوم استاد حکیمی داشتند در مصباح الهدایه‌ای که به ایشان هدیه می‌کند، علامه را فردی دانشمند بسیاردان و محقق توصیف کرده یا اخوان ثالث در قصیده‌ای که می‌سراید و به ایشان تقدیم می‌کند، از تعبیر «سربدار ایام» برای توصیف ایشان استفاده می‌کند؛ استاد شفیعی کدکنی ایشان را دوست شاعر و دانشمند خود می‌دانست و دکتر شریعتی او را مرد ایمان و تقوا، آگاهی و عمل، و دین و دانش می‌نامید و همینطور شخصیت ها و بزرگان فراوان دیگر که وصف‌های گوناگونی در تبیین اندیشه و شخصیت علامه حکیمی داشتند.

صالحی افزود: حکیمی هم نوگرا و هم سنت‌گرا بود. بسیاری از نوشته‌های ایشان را می‌توان برای نوگرایی سنت‌گرایانه آورد. هم روحانی بود و هم روشنفکر، هم فیلسوف بود و هم متکلم، هم فقیه اصولی و هم محدث؛ حکیمی به محدث بودن افتخار می‌کرد اما محدث نبود. حکیمی محقق و مصلح بود. معمولاً اینها با هم جمع نمی‌شود؛ یعنی کسی که محقق است نمی‌تواند کنشگر اجتماعی باشد؛ اما حکیمی یک محقق کتابخانه‌ای بود و از طرف دیگر یک کنشگر اجتماعی. وی افزود: زبان حکیمی هم زبان علمی و هم زبان ادبی بود. در علمی‌ترین آثارش عاطفه و احساس زبان ادبی را می‌توان یافت و این ترکیب باهم تداعی گر ابوذر بوده است.

■ حکیمی درد عدالت داشت

در ادامه رضاداوری اردکانی گفت: بزرگی اشخاص در گفتار پدید نمی‌آید؛ بلکه در رفتار آنها متجلی می‌شود. پاکی، دانایی و صداقت در گفتار استاد حکیمی بسیار ملموس بود. من و آقای حکیمی همدلی‌های بسیاری با هم داشتیم اما کمتر فرصت دیدار پیش می‌آمد و در تمام آنها سعی می‌کردم کمتر سخن بگویم و بیشتر بشنوم و بیاموزم. آقای حکیمی درد دین داشت و در طلب درک دین می‌کوشید و تا پایان عمر به درک حقایق معارف اسلامی مشغول بود؛ اما در ذیل روحانیت نماند. تغییری که در لباس خود داد به این معنا نبود که از روحانیت خارج شده است بلکه به این تغییر می‌توان گفت صفت روحانیت را حفظ کرده اما دیگر شغل روحانیت را ندارد. او با تأکید بر اینکه علامه حکیمی درد عدالت داشت، گفت: عدالت حرف نیست، درد است و استاد حکیمی درد عدالت داشت و در زمان ما اگر بگویم در زمره اشخاص کم نظیر و حتی بی نظیر بود زیاده‌گویی نکرده‌ام.

■ استادی ژرف اندیش

حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی هم گفت: در تمام صحبت‌های مرحوم حکیمی غم مردم بود و غم مضاعف که در قلب خودش نهان کرده بود و در جلسات می‌گفت. حکیمی در چند سال اخیر تمام وجودش رنج بود که چرا انقلاب با این ولنگاری‌ها و نادانی و ندانم کاری‌ها به این روز افتاده و به خاطر سوء سیاست و نادانی مردم در فقر دست و پا می‌زند. در ادامه حجت‌الاسلام محمدتقی سبحانی به تبیین اندیشه علامه حکیمی پرداخت و با تأکید بر اینکه استاد حکیمی ژرف‌اندیش بود، گفت: بررسی شخصیت‌ها را می‌توان از دو زاویه یعنی نگاه به تولیدات و دانشی که پدید آوردند و محصولاتی که در اختیار نسل‌ها گذاشتند و نیز تجربیات آنها در اندیشیدن و گشودن راه‌ها و افق‌ها مورد بررسی قرار داد... باید ارزش علامه حکیمی را در تجربه‌های زیست فکری او دنبال کنیم.

■ بررسی اندیشه‌های استاد حکیمی در مراکز علمی

امیرمهدی حکیمی مدیر عامل مؤسسه فرهنگی هنری الحیات هم به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت علامه حکیمی گفت: امثال استاد حکیمی انسان‌هایی بودند که تمام زندگی خود را گذاشتند و زحمت کشیدند و به اندیشه‌ای رسیدند و این اندیشه را برای اصلاح جامعه به اشتراک گذاشتند حالا جامعه هم باید به سمت ایشان برود و آن را برای مردم تفهیم کرده و آنها را ترغیب کند تا با مطالعه آثار ایشان این مفاهیم را فریاد زده و به گوش نسل جوان برسانیم. این امر باعث می‌شود شاید در ذهن انسان‌ها جرقه بخورد. نسل جوان دانشجو و طلاب جوانی که هستند باید به سمت مطالعه این آثار بروند. او ادامه داد: ابعاد تفکر ایشان و اندیشه‌های ایشان در جامعه شناخته شده نیست البته خود ایشان هم سال‌ها از مطرح شدن پرهیز می‌کردند و این یک انزوای خودخواسته بود که ایشان در فضاهای مجازی و رسانه‌ها کمتر مطرح شده اند و امروزه نیز اگر تنها در رسانه‌ها و فضای مجازی فقط یادی از ایشان شود فایده خاصی ندارد. برای روشن‌تر شدن ابعاد تفکر ایشان باید جلساتی گذاشته شود و تفکر و اندیشه‌های ایشان تشریح شود. حکیمی تصریح کرد: باید در فضای دانشگاه و حوزه روی اندیشه‌های این افراد بررسی شود ممکن است همین جلسات باعث ایجاد جرقه‌هایی در ذهن افراد شود البته متأسفانه آنچه که درباره ابعاد وجود ایشان و اندیشه‌های ایشان وجود داشته برای مردم شناخته شده نیست و شاید فقط بخش‌های خاصی از اندیشه ایشان در جامعه دریچه‌هایی باز کرده است و دریچه‌های بسیار زیادی از ابعاد وجودی اندیشه‌های ایشان ناشناخته مانده که امیدوارم از این پس مردم با نظریه‌ها و اندیشه‌های این بزرگمرد بیشتر آشنا و مأنوس شوند.